

اسلام‌پژوهی

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۷-۲۷

## پژوهشی درباره مصطلح قرآنی بقیةالله

محمدعلی محمدی\*

### چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم و مدلول واژه قرآنی بقیةالله (هود، آیه ۸۶) از منظر مفسران شیعی و سنی می‌پردازد. این ترکیب در کلیت آیه مذکور مفهوم اقتصادی دارد و به معنی سود حلال است، اما از آنجا که در میان شیعیان امام زمان<sup>(عج)</sup> به بقیةالله تعبیر و تفسیر شده است، تقریباً مفهوم و مدلول اصلی این واژه و کارکرد اقتصادی آن در میان ما فراموش شده است. در این مقاله ضمن بررسی موضوع در آثار تفسیری شیعه و سنی، به سیر ورود معنای ثانوی یا فرعی واژه بقیةالله در آثار شیعی نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: بقیةالله، امام زمان<sup>(عج)</sup>، سود حلال، سوره هود، گران‌فروشی.

## مقدمه

در قرآن کریم واژه‌های فراوانی وجود دارد که معنا و مفهوم آنها چنان که باید و شاید، تبیین نشده و اکثر مخاطبان از مفهوم و مدلول واقعی آن بی‌خبرند. یکی از این واژه‌ها، واژه معروف «بقیةالله» است. ما در این مقاله به فضل خداوند در صدد بررسی و تبیین این واژه و سیر تحول معنایی آن در تفاسیر مختلف، خواهیم بود.

واژه بقیةالله تنها یک بار و آن هم در سوره مبارکه هود آمده و خداوند متعال آن را ضمن بیان احتجاجات حضرت شعیب<sup>(ع)</sup> با قومش و پس از ماجرای لوط و قومش بیان می‌فرماید. این واژه صرف نظر از معنای لغوی، معنا و مفهوم اقتصادی دارد و از این جهت با کلماتی نظیر مطففین، بخش، وزن و اکتیال نسبت و ارتباط دارد<sup>(۱)</sup>. اکنون آیاتی را که متضمن خطاب حضرت شعیب<sup>(ع)</sup> به قومش است، از نظر می‌گذرانیم:

وَأَلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْتُمْ بَخِيلٌ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (۸۴) وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵) بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ (۸۶):

و فرستادیم به مدین کس ایشان، شعیب، گفت ای قوم، خدای را پرستید که نیست شما را خدایی جز او و مکاهید پیمانان و ترازو، من به شما نیکو رایم به نیکویی فرا شما می‌نگرم (و چشم عنایت فرا شما می‌دارم) و من بر شما می‌ترسم از عذاب روزی که آن روز عذاب گرد شما درآید. ای قوم تمام بر پیمایید و برسنجید به راستی و داد و هیچ چیز از چیزهای مردمان بمکاهید و به تباهی در زمین تباهکارمباشید. آنچه ماند (در دست حلال جویان ورچه اندک بود) آن به است شما را و با برکت تر اگر گرویدگانید و من بر شما کوشوان نیستم که من پیغام رسانم (کشف‌الاسرار میبدی، ذیل آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود). حال تفسیر آیه مورد نظر (هود، آیه ۸۶) را در تفاسیر مختلف اهل سنت و شیعه بررسی می‌کنیم.

در جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن موسوم به تفسیر طبری (اواخر قرن سوم هجری) که از قدیم‌ترین تفاسیر اهل سنت به شمار می‌رود، درباره آیه مزبور چنین آمده است:  
«مَا بَقَاةُ اللَّهِ لَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُؤْفُوا النَّاسَ حُقُوقَهُمْ بِالْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ فَأَحْلَهُ لَكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الَّذِي يَبْقَى لَكُمْ بِبَخْسِكُمْ النَّاسَ مِنْ حُقُوقِهِمْ بِالْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ يَقُولُ إِنْ كُنْتُمْ مُّصَدِّقِينَ بَوَعْدِ اللَّهِ وَ وَعِيدِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ:

آنچه خدا برای شما باقی می‌نهد، بعد از آنکه حقوق مردم را با پیمانانه و ترازو به عدالت دادید، آن را برای شما حلال کرد، برایتان بهتر است از آنچه به واسطه کاستن حقوق مردم با پیمانانه و ترازو باقی می‌ماند، اگر مؤمن باشید یعنی اگر وعد و وعید و حلال و حرام خدا را تصدیق کنید.»

آنگاه طبری در تفسیر بقیةالله از قول راویان، معانی ۱. طاعت خداوند ۲. بهره مردم از پروردگار را نقل می‌کند؛ اما قول اول را بر قول اخیر ترجیح می‌نهد و برای اثبات سخنش استدلال می‌کند (طبری، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۴۹).

در قرن پنجم، ابوالمظفر اسفراینی در *تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم* که تفسیری به زبان پارسی است، در باب آیه مورد نظر نویسد:

«آن باقی که بماند شما را حلال از نعمت خدای پس از آنکه مکیال و میزان تمام کرده باشید، بهتر بود شما را اگر هستید شما مومنان و من نیستم بر شما نگاهبانی» (اسفراینی، ۱۳۷۴: ۱۰۳۶). وی در باب جمله آخر آیه یعنی *وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٌ*، می‌نویسد:

«و این از بهر آن گفت که او را به جنگ فرموده بودند با ایشان» (همان).  
در تفسیر نسفی (۴۶۲-۵۳۸) که بیشتر می‌توان آن را ترجمه دانست تا تفسیر، نظیر همان مطلب منقول از *تاج‌التراجم* آمده است:

«آنچه باقی ماند شما را از داده خدای تعالی به این جهان بحد تمام گزاردن حقه‌های مردمان، شما را بهتر اگر شما بیدار استوار دارندگان و نهم من بر شما نگاهبان» (نسفی، ۱۳۷۶: ۴۳۴).

در تفسیر *کشاف* زمخشری (۵۳۸-۴۶۷هـ) که مؤلف آن بر مذهب اعتزال بوده و مشرب فکری وی با مفسر پیشین متفاوت است، مشابه همان معنای مذکور در تفسیر نسفی؛ اما با دقتی بیشتر آمده است:

«(بقیةالله) مَا يَبْقَى لَكُمْ مِنَ الْحَلَالِ بَعْدَ التَّنْزِهِ عَمَّا هُوَ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ (خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مومنین) بِشَرَطِ أَنْ تُؤْمِنُوا وَأَنْمَا خُوطِبُوا بِتَرْكِ التَّطْفِيفِ وَ الْبَخْسِ وَ الْفَسَادِ وَ هُمْ كَفَرَةٌ بِشَرَطِ الْإِيمَانِ» (همان: ۴۱۸).

نیز در ادامه، درباره اضافه شدن بقیة الله بیان می‌دارد که دلیلش از جانب خدا بودن آن رزق است، در حالی که حرام به خدا نسبت داده نمی‌شود و رزق به حساب نمی‌آید. رشیدالدین میبیدی هم در قرن ششم این‌گونه در تفسیر آیه مزبور قلم می‌راند:

«بقیة الله خیر لکم ما بقی الله لکم بعد ایفاء الکیل و الوزن خیر لکم من التطفیف لآن الله تعالی یحمل فیہ البرکة» (میبیدی، ۱۳۶۳، ج ۲۴: ۴۲۸). وی ضمناً معانی طاعة الله، رزق الله و بقاء همراه با اطاعت را برای بقیة الله ذکر می‌کند (همان).

امام فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶) درباره آیه مورد نظر با تفصیل بیشتری سخن می‌گوید. وی ابتدا قرائت دیگر بقیة الله یعنی تقیة الله را نقل و معنا می‌کند:

«قُرِیءَ تقیة الله وَهِيَ تقوَاهُ و مراقبتُهُ الَّتِی تَصَرَفَ عَنِ الْمَعَاصِی. سپس سخن دیگران را در این مورد، نقل و تحلیل می‌نماید که ترجمه خلاصه آن چنین است:

در معنای آن گوییم آنچه خدا از حلال بعد از اتمام پیمان و وزن برایتان باقی گذارد بهتر است از کاستن و گران‌فروشی؛ یعنی مال حلالی که برایتان می‌ماند بهتر است از آن اندازه اندک (از حرام)، زیرا ثواب طاعت همیشه می‌ماند. قتاده (در تفسیر آیه) گفته بهره‌تان از پروردگارتان بهتر است و من می‌گویم منظور از این بقیه، یا مالی است که برای او در دنیا می‌ماند و یا پاداش الهی یا رضای خدای تعالی از او. و همگی اینها بهتر است از گران‌فروشی» (فخررازی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۲).

در قرن هشتم ناصرالدین عبدالله بیضاوی تقریباً مطالب امام فخررازی را به اختصار نقل کرده است (بیضاوی، بی‌تا، ج ۱: ۴۷۸).

دانشمند بزرگ وشهیر قرن نهم و دهم جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۸۴۹-۹۱۱) نیز در خصوص آیه مذکور همان مطالب طبری را به اختصار نقل و از روایات مختلف، تعبیرات رزق الله و حظکم من ربکم و طاعة الله را برای بیان واژه بقیة الله ذکر کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۶).

در قرن چهاردهم هجری هم محمد رشیدرضا (متوفی ۱۳۵۴) که خود شاگرد محمد عبده (متوفی ۱۳۲۳) بوده و تقریرات استاد خویش را در تفسیری موسوم به المنار جمع آورده، هیچ مطلبی بر تفاسیر گذشته نیفزوده و به نقل آنها اکتفا کرده است. وی پس از

نقل سخن دیگران، روایت ابن عباس، مجاهد، ربیع، فراء و قتاده را در تفسیر بقیة الله به ترتیب: رزق الله، طاعة الله، وصیة الله، مراقبة الله و بهره شما از خداوند ذکر می کند (رشید رضا، ۱۳۵۴: ۲۵۱).

همچنین سید قطب در تفسیر فی ضلال القرآن به اختصار تمام، آیه را تفسیر کرده و هیچ نکته جدیدی بر آن نیفزوده است (سید قطب، ۱۹۶۷: ۶۱۱).

اینها همگی تفاسیر اهل سنت بود؛ اما بینیم مفسران شیعه در این باب چه گفته اند. اهم مفسران شیعه از دیر باز تا کنون همان مطالب مذکور در تفاسیر اهل سنت را ذیل آیه بقیة الله آورده اند. مهم ترین تفسیر شیعه در گذشته چنان که می دانیم تفسیر مجمع البیان تألیف طبرسی (متوفی ۵۴۸ هـ) است. در این تفسیر ذیل آیه مذکور چنین آمده است:

«بقیة الله خیر لکم ان کنتم مومنین یعنی آنچه را پس از اتمام کیل و وزن، خدای تعالی برای شما به جای می گذارد، بهتر است از کم فروشی و این که آن را مشروط به ایمان کرد و فرمود ان کنتم مؤمنین بدان جهت بوده که اگر ایمان داشتند این گفتار را درک می کردند و می فهمیدند، وابن جُبیر گفته معنای آیه این است که نعمتی را که خداوند برای شما باقی می دارد، بهتر است از آن سودی که از راه کم فروشی به دست شما می آید و حسن و مجاهد گفته اند یعنی اطاعت خدا برای شما بهتر از همه دنیا است... ثوری گفته است بقیة الله به معنای روزی است» (طبرسی، ۱۳۵۶، ج ۱۲: ۱۱۰).

ابوالفتوح رازی هم به اختصار تمام، آیه را این چنین تفسیر کرده است: «بقیه خدای تعالی یعنی آنچه خدای تعالی برای شما باقی گذاشته است از حلال، شما را آن بهتر است اگر هیچ ایمان داری و من بر شما حفیظ و نگاهبان نهام» (رازی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۳۲۱).

در قرن یازدهم هم ملافتح اله کاشی صاحب تفسیر منهج الصادقین همین نهج را در تفسیر آیه پیش گرفته است:

«(بقیة الله) آنچه خدا باقی گذارد برای شما بعد از ترک حرام (خیر لکم) بهتر است شما را از آنچه به وجه تطفیف و خیانت جمع می کنید (ان کنتم مومنین) اگر هستید باور دارندگان مرقول مرا ... و می گویند بقیة الله طاعت است» (کاشی، ۱۳۴۰، ج ۴: ۴۴۵).

در همین قرن ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱هـ) عین مطالبی را که مفسر همشهری او گفته، ذکر نموده است:

«بَقِيَتُ اللّٰهَ مَا اَبْقَاهُ لَكُمْ مِنَ الْحَلَالِ بَعْدَ التَّنْزِهِ عَمَّا هُوَ حَرَامٌ خَيْرٌ لَّكُمْ مِمَّا تَجْمَعُونَ بالتطيف» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۴۶۸).

و سرانجام علامه طباطبایی در تفسیر المیزان مانند بسیاری از پیشینیان خود، آیه را به همان شیوه تفسیر کرده و مطلبی بیشتر از دیگران درباره این آیه نگفته است: «سودی که از طرف خدا برای شما باقی مانده و خدا از طریق فطرت خودتان شما را بدان راهنمایی کرده، اگر مومن باشید، برای شما بهتر از مالی است که از راه کم فروشی و کم کردن پیمان و ترازو تصاحب می کنید، زیرا مومن تنها به طور مشروع و از راه حلالی که خدا او را بدان راهنمایی کرده، از مال منتفع می شود و اما راه های دیگری که خدا راضی نیست و مردم نیز برحسب فطرت خود راضی نیستند، خیری در آن نیست و نیازی بدان ندارد» (طباطبایی، ۱۳۵۷، ج ۲۰: ۲۵۸).

### معنای دیگر بقیة الله

اما تفسیر دیگری که از ترکیب قرآنی بقیة الله موجود است و شیعیان به خصوص به محض شنیدن واژه مزبور، متوجه آن می شوند، وجود مقدس حضرت صاحب الزمان<sup>(ع)</sup> است. این تعبیر خاص از بقیة الله مبتنی بر خبری است که منشأ و سیر آن در زیر می آید: اصل این خبر که بقیة الله را از باب جری و انطباق به وجود حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> تعبیر کرده، منقول از امام باقر<sup>(ع)</sup> است که اولین بار شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱هـ) در کتاب کمال الدین و تمام النعمه یا اکمال الدین و اتمام النعمه، بدین شرح نقل کرده است.

«فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ اسْتَظْهَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۳۳۱؛ نیز طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۱۶، قس: طبری، ۱۳۶۳: ۱۰۹).

هفتصد سال پس از شیخ صدوق<sup>(۱)</sup>، اولین کسی که این روایت را در تفسیر خود ذیل آیه ۸۶ هود نقل کرده، ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱هـ) است. وی در کتاب

تفسیر/صافی درباره آیه مزبور، همان مطالبی را که مفسران پیشین نگاشته بودند، آورده و آنگاه روایت مذکور را با ذکر مأخذ نقل کرده است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۴۶۸). نیز همزمان با فیض کاشانی، هم داماد و همدرس او از دوران جوانی، شریف لاهیجی (متوفی حدود ۱۰۹۵هـ) در تفسیر فارسی خود موسوم به تفسیر شریف لاهیجی همان مطالب را تحریر نموده است:

«بقیةالله، آنچه باقی گذاشته است خدای تعالی برای شما از چیزهای حلال بعد از تجنب از حرام؛ خیرلکم بهتر است شما را؛ این کُنتُم مومنین، به شرطی که باشید شما ایمان آورنده به خدا و رسول... در حدیث وارد شده که بقیةالله حضرت صاحب الزمان<sup>(ع)</sup> است. یعنی یکی از ما صدقات بقیةالله حضرت صاحب است. در کتاب کمال الدین از امام باقر<sup>(ع)</sup> روایت کرده که چون قائم آل محمد (صلوات الله علیه و آله) خروج کند و پشت مبارک خود را به دیوار کعبه گذارد و سیصد و سیزده کس از موالیان او نزد او حاضر شوند، اول کسی که متنطق شود به آیه بقیةالله خیرلکم این کُنتُم مومنین، آن حضرت خواهد بود... (شریف لاهیجی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۷).

از تفاسیر معاصر، تفسیر نمونه درباره آیه مزبور با تفصیل بیشتری سخن گفته و دایرة معانی بقیةالله را بیش از پیش توسعه داده است. مهم تر از همه، همان تعبیری است که مفسران دیگر از آیه بیان کرده اند:

«سرمایه حلالی که برای شما باقی می ماند هر چند کم و اندک باشد اگر ایمان به خدا و دستورش داشته باشید، برای شما بهتر است.»

در این تفسیر علاوه بر معنای اولیه که همه مفسران بر آن اتفاق نظر دارند، تأویلات دیگری برای واژه بقیةالله ذکر شده که اکثر آنها در تفاسیر دیگر شیعی نیست:

۱. پیامبران و پیشوایان بزرگ.
  ۲. همه رهبران راستین.
  ۳. سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ بر می گردند.
  ۴. حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> و امامان دیگر (مکارم و دیگران، ۱۳۶۸، ج ۹: ۲۰۴).
- در هیچ یک از تفاسیر معتبر اهل سنت، بقیةالله به اشخاص و افراد تعبیر نشده است.

در تفاسیر شیعه نیز بقیة الله به استناد روایت معروف شیخ صدوق (ر.ک. سطور پیشین) از باب جری و ما صدقات، فقط به وجود مقدس امام زمان (عج) منحصر شده است؛ از این رو معلوم نیست مفسران یا تدوین کنندگان تفسیر نمونه، به استناد کدام قاعده از قواعد تفسیر بدین گونه سخاوتمندانه معانی بقیة الله را تعدد و تنوع بخشیده‌اند. در این صورت چه مانعی دارد اگر مصادیق بقیة الله را به مؤمنان و پرهیزگاران و کسانی که دارای فضایل اخلاقی‌اند، تسری دهیم؟ آیا حق داریم بدون هیچ شاهد و مدرکی چنین تعبیراتی را بر آیه شریفه حمل کنیم؟ آیا این نمونه‌ای از تفسیر بی‌ضابطه و یا به اصطلاح تفسیر به رأی نیست؟ اما در باب روایت امام باقر (ع) که امام زمان (ع) را مصداق بقیة الله دانسته‌اند، توضیحی لازم است. گاهی برخی از آیات در شأن کسی یا واقعه‌ای نازل می‌شود، چنان که گویند سید آیه به مناسبت‌های مختلف در شأن امام علی (ع) نازل شده و شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند. حاکم حسکانی کتابی نگاشت و در آن آیاتی را که در شأن مولای متقیان نازل شده جمع آورده است، یکی از این آیات، آیه ولایت (مأثده، آیه ۵۵) است. صاحب کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار که خود سنی شافعی است ذیل آیه فوق بیان مفصلی دارد (میبدی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۵۲-۱۴۹).

اما گاهی آیه در شأن کسی نازل نشده، در عین حال یک نفر را مصداق آیه می‌دانند، مثلاً چنان که مشهور است، امام حسین (ع) را مصداق دو آیه آخر سوره فجر (یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه) می‌دانند.

نیز از باب نمونه، علمای اهل سنت بعضی از آیات قرآن را (أل عمران، آیه ۱۷، محمد، آیه ۵) با خلفای راشدین تطبیق می‌دهند (مستملی بخاری، ۱۳۶۶: ۵۴۷). تطبیق امام زمان (عج) با بقیة الله از نوع دوم است، یعنی امام زمان (ع) با مفهوم مستقل بقیة الله (صرف نظر از کلیت آیه) قابل تطبیق است.

### نتیجه‌گیری

با تفحص و بررسی تفسیر آیات مورد نظر یعنی آیات ۸۴-۸۶ سوره هود در کتب گوناگون تفسیر به نتایج زیر دست می‌یابیم:

۱. عموم مفسران خواه شیعه و خواه سنی طی قرون متمادی در باب آیات مورد نظر



و به ویژه آیه ۸۶ سوره هود «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» تقریباً یکسان سخن گفته‌اند و حتی سخن آجله مفسران شیعه از دیر باز تاکنون در تفسیر آیه مذکور همان سخن دیگران است، یعنی سود عادلانه‌ای که از یک معامله حلال به شرط ایمان به خدا و روز جزا نصیب صاحب مال می‌شود.

۲. اهم مفاسد قوم حضرت شعیب پس از بت‌پرستی موضوع گران‌فروشی و غش و خیانت در معاملات و میزان بود، به همین دلیل آن حضرت، قوم خود را از ارتکاب آن نهی و برحذر داشته است.

۳. تعبیر بقیةالله به وجود مقدس امام زمان<sup>(ع)</sup> که از باب جری بر آیه مبارکه حمل شده، تعبیری است که هر چند ریشه در *اکمال‌الدین* شیخ صدوق دارد و در بعضی منابع مربوط به قرن چهارم تا ششم اشاراتی گذرا به آن رفته است، چنین به نظر می‌رسد که شیوع آن در افواه عموم سابقه‌ای بیش از دو سه قرن نداشته باشد؛ زیرا همان طور که ذکر شده است، اولین بار ملامحسن فیض کاشانی و شریف لاهیجی در تفسیر خود و علامه مجلسی در *بحارالانوار* این خبر را ذکر کرده‌اند و در زمان ما هم مؤلفان تفسیر نمونه بدان پرداخته‌اند. باید توجه داشت که این، تعبیری فرعی است و نه اصلی. شریف‌لاهیجی هم خود به این معنا اشارت دارد و امام زمان<sup>(ع)</sup> را یکی از «مَصَدِّقَات» بقیةالله دانسته است.

۴. مفهوم اصلی این آیه حداقل در میان ما شیعیان کم رنگ شده است. از این رو شایسته است برای جبران مافات از طریق گوناگون توجه مردم را به مفهوم اصلی آیه که در اخلاق اجتماعی و اقتصادی مؤثر و مفید است، بیشتر جلب کنیم.

### پی‌نوشت

۱. سؤالی که در اینجا ممکن است به ذهن متبادر شود، این است که چرا حضرت شعیب از میان تمام منکراتی که قومش به آن آلوده بودند، به موضوع گران‌فروشی پرداخته و ایشان را از آن منع کرده است؟ در حالی که قطعاً آن قوم چون امت‌های سلف به انواع منکرات و مفاسد آلوده بودند. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مفاسد قوم شعیب<sup>(ع)</sup> پس از بت‌پرستی، گران‌فروشی و غش و خیانت در معامله و کیل و میزان بوده از این رو آن حضرت هم پس از توصیه به بندگی خدا، ایشان را از ارتکاب به مفسده مذکور

برحذر داشته و ترس خود را از عذاب روز قیامت که در انتظار آنان است، ابراز می‌دارد. می‌توان دریافت که علت عمده گران فروشی و خیانت در معاملات، بی‌اعتقادی به خدا و روز قیامت است. این معنا را می‌توان با صراحت بیشتر، از آیات اول سوره مطففین فهمید: *الْأَيْطُنَ أَوْلَيْكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ - يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ* (مطففین، آیات ۴-۶). هیچ نمی‌دانند اینان که ایشان انگیختنی‌اند روزی بزرگ را. آن روز که به پای ایستند مردمان، خداوند جهانبان را].

۲. لازم به توضیح است که علامه مجلسی در بحارالانوار (۱۳۸۴: ۱۹۲) همان مطالب شیخ صدوق را بی‌هیچ کم و کاستی نقل کرده است.

## منابع

- ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی (۱۳۹۰ هـ ق) کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
- اسفراینی، ابوالمظفر (۱۳۷۴) تاج التراجم، تصحیح نجیب مایل هروی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیضاوی، ناصرالدین عبدالله بن عمر (بی تا) انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۱.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۶۸) روض الجنان، تصحیح دکتر جعفر یاحقی، ج ۱۰، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین (بی تا) التفسیر الکبیر، ج ۱۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رشیدرضا، محمد (۱۳۷۳ هـ) تفسیر المنار، ج ۱۲، چاپ ۴، مکتبه القاهره.
- زمخشری، جارالله (بی تا) الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ج ۲، تهران، نشر حوزة.
- سید قطب (۱۹۶۷) فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت اله مرعشی.
- شریف لاهیجی (۱۳۶۳) تفسیر شریف، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، ج ۲، تهران، علی اکبر علمی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۷) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد جواد حجتی، ج ۲۰، تهران، کانون انتشارات محمدی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۶) مجمع البیان، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱۲، تهران، انتشارات فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۶ هـ ق) الاحتجاج، تصحیح سید محمد باقر خراسانی، ج ۲، چاپ اول، نجف اشرف، مطابع النعمان.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۳۹۰) جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۵، محمود محمدشاکر.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۳۶۳) دلائل الامامة، قم، موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (بی تا) تفسیر الصافی، ج ۲، دار المرتضی.
- کاشی، ملافتح الله (۱۳۴۰) منهج الصادقین، مقدمه و پاورقی های ابوالحسن شعرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۴، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۳ هـ ق) بحار الانوار، محمدباقر بهبودی، ج ۵۲، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳) شرح التصوف لمذهب التصوف، تهران، اساطیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸) تفسیر نمونه، ج ۹، تهران، دارالکتب اسلامیه.

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۶۳) کشف الاسرار و عدة الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت،  
جلدهای ۵ و ۲۴، انتشارات امیرکبیر.  
نسفی، عزالدین (۱۳۷۶) تفسیر نفسی، تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، ج ۱، انتشارات سروش.